

تلاش‌های اخوان المسلمین مصر پس از کودتا؛ از گسست درونی تا انشعاب احتمالی

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۳۱

تاریخ تأیید: ۹۶/۶/۴

پوریا پرندوش *



تلاش‌های اخوان المسلمین
مصر پس از کودتا ...

سقوط حکومت اخوانی مصر به رهبری محمد مُرسی در پی کودتای ارتش در سال ۲۰۱۳، این سازمان و به‌طور کلی آینده اسلام سیاسی را در این کشور دچار پرسش وجودی و ماهوی کرده است. نوشتار حاضر در کنار بررسی وضعیت اخوان پسا - کودتا و جریان‌های گوناگون و گاه مقابل هم در این سازمان، به دنبال بررسی امکان و احتمال گسست و چگونگی آن در این سازمان است. برای این منظور افزون بر طبقه‌بندی گرایش‌های کنونی و دسته‌بندی‌های درونی اخوان، در تلاش برای پاسخ به این پرسش است که: آیا اخوان امکان بازسازی دوباره خود را دارد؟ علاوه بر این، امکان دگردیسی اخوان و تحول و تغییر پارادایم کنش این گروه به سمت رادیکالیزاسیون اسلامی - جهادی بررسی خواهد شد. نوشتار حاضر با مفروض گرفتن دیالکتیک سه‌گانه عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به تأثیر و تأثر این متغیرها بر آینده و تشکیلات اخوان نظر دارد. برای این منظور به جهت‌گیری بین‌المللی حول محور اخوان و تلاش‌های آنها در این زمینه به‌صورت خلاصه می‌پردازد و در پایان، سناریوهای پیش‌روی این گروه را در بازی سیاسی داخلی مصر پس از بررسی چگونگی و چرایی امکان گسست سازمانی در اخوان و پتانسیل انشعاب آن بررسی خواهد کرد. پژوهش حاضر از روش تحقیق کتابخانه‌ای به همراه تحلیل متون و اسناد دست اول موجود در کنار تحلیل گفتار شخصیت‌های اصلی اخوان، بررسی مصاحبه‌های افراد و مسئولان اخوانی و نخبگان سیاسی مصر استفاده کرده و همچنین به بررسی داده‌های میدانی و آماری موجود مرتبط نیز پرداخته است. به باور نوشتار حاضر، استفاده از یک تئوری خاص به‌منظور شناخت وضعیت حال حاضر راهگشا نخواهد بود و با توجه به ماهیت چندگانه بررسی کنونی،



ضرورت نگرش توصیفی - تحلیلی عمیق با رویکرد طراحی مدل را در چرایی وضعیت حاضر، بدون وابستگی به نظریه‌ای خاص پیشنهاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اخوان المسلمین، کودتا، مصر، اسلام سیاسی، رادیکالیسم اسلامی، انقلاب.

۱. مقدمه

اخوان همواره محور گره کور سیاست مصر بوده است؛ جایی که نقش اسلام و قدرت دولت و بحث چگونگی تشکیل حکومت و حیطة اختیارات آن همچنان حل نشده باقی مانده است؛ درحالی که هنوز میان ماهیت دولت و حدود شرع و نیز چگونگی تعامل نهاد دین و دولت اختلاف نظر اساسی وجود دارد. از طرفی، سال‌ها سرکوب و فشار بر اسلام‌گراها، احزاب و گروه‌های مخالف و ممانعت از رشد و بلوغ جامعه مدنی، موجب عدم طرح پرسش از مشکلات کنونی، عقیم ماندن دولت-ملت‌سازی و عدم رشد فضای عمومی به منظور طرح و حل و فصل مسائل بوده است. نمود این حل‌ناشدگی امر سیاسی را در گستره کلان می‌توان یکی از دلایل سقوط دولت پساانقلابی، عقیم ماندن نهادسازی مستقل و مؤثر، حل نشدن مسئله نهاد ارتش و حد قدرت دستگاه‌های امنیتی، و نیز عدم تنظیم و درک خواست‌های جامعه دید. به دنبال آن، سال‌ها مبارزه مسلحانه و مسالمت‌آمیز، بی‌ثمر ماند و حتی پس از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ که به پایان بخشیدن به اسطوره قدرت دولت برای مدت کوتاهی انجامید، در نهایت با سقوط موج گذار به دموکراسی و تقدیم دو دستی قدرت به ارتش و نظامیان به جای تقسیم قدرت با استفاده از سازوکارهای دموکراتیک و شکست انقلاب خاتمه پذیرفت. شاید بتوان سقوط محمد مرسى را با خواست بخش گسترده‌ای از مردم و کودتای ارتش برای براندازی وی، پایان تلخ حکومت‌داری و قبضه قدرت اخوانی‌ها و دیگر اسلام‌گرایان در مصر پس از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ دانست.^۱

۱. برای بررسی مواضع اخوان و پاسخ‌های آن به پرسش‌ها و ابهام‌های پیرامون ظهور و سقوط این گروه، نک: مصاحبه مفصل سخنگوی رسمی سازمان و مشاور ارشد حزب عدالت و آزادی، قائد الحداد با مارتین اسمیت در سپتامبر ۲۰۱۳ پیش از دستگیری وی:

Sarah Childress, Muslim Brotherhood Spokesman Detained in Cairo, September 17, 2013, available in: <http://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/muslim-brotherhood-spokesman-detained-in-cairo/>

این سازمان اکنون با پرسش وجودی در درون و تهدید وجودی در خارج روبه‌رو گردیده است. «چه باید کردی» که پاسخ به آن در شرایط کنونی موجب بروز گسست‌های درونی و ایستادن بر لبه پرتگاه انشعاب در این سازمان شده است. گفتنی است با توجه به تمرکز نوشتار کنونی بر جریان اخوان پس از کودتا، حتی‌الامکان از ارجاع به مباحث تاریخی - مگر به صرف ضرورت بحث - اجتناب ورزیده‌ایم.

نوشتار حاضر با مفروض گرفتن دیالکتیک سه‌گانه عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به تأثیر این ماتریس سه‌وجهی بر سازمان اخوان المسلمین مصر قایل بوده، در تلاش برای پاسخ به وضعیت کنونی اخوان پس از کودتا و امکان/امتناع انشعاب سازمانی در آن است. البته نوشتار حاضر ابتدا درصدد است به تحلیل وضعیت ظهور و سقوط و وضعیت کنونی اخوان در یک چارچوب عدم گذار دموکراتیک در سطح کلان و از دست رفتن سرمایه اجتماعی مبادرت ورزد که قابلیت تحلیل کمی و انضمامی به‌عنوان بحث مکمل را دارد؛ عامل مهمی که به‌خودی‌خود در تحلیل ظهور و سقوط حکومت‌ها در جوامع با سیالیت‌گرایش‌های سیاسی و نوپا بودن تجربه دموکراسی بااهمیت است.

۲. عدم گذار دموکراتیک در مصر و از دست رفتن سرمایه اجتماعی

وضعیت اخوان را بدون شناخت ماهیت سیاست جهان سوم و نقش نهادهای موازی و نیز دولت‌محوری امر سیاسی نمی‌توان به‌درستی تبیین کرد. به باور نوشتار حاضر، یکی از مهم‌ترین مسائل پس از انقلاب‌ها، چگونگی حفظ سرمایه اولیه اجتماعی است، که بزرگ‌ترین تهدید/فرصت برای گروه‌ها به‌منظور کسب و قبضه قدرت به شمار می‌آید. شاید بتوان چرخه بحران بین دولت اقتدارگرا (Deep State) که تحت سلطه ارتش و نهادهای امنیتی است، و گروه‌ها و احزاب اسلام‌گرایی را که به دلیل ترس از دست دادن قدرت، به دنبال کسب حداکثر قدرت ممکن هنگام انتخاب شدن هستند، یکی از دلایل مهم عدم پا گرفتن دموکراسی در خاورمیانه عنوان کرد (Yaroslav Trofimov, 2016).

دموکراسی تا حد زیادی نتیجه سواد اجتماعی، اجماع‌سازی، اندیشه‌های کثرت‌گرایانه و پذیرش دیگری است که ترجمان نهادی خود را با نهادسازی دموکراتیک معطوف به بافتار سیاسی-اجتماعی و فرهنگی-اقتصادی پیدا خواهد کرد. سرمایه اجتماعی را می‌توان عامل





ظهور، تداوم و سقوط دولت‌ها و حاکمیت‌ها دانست. طبق نظرسنجی مؤسسه گالوپ در مصر - دو هفته پیش از سقوط دولت مرسی در جولای ۲۰۱۳ - ۶۶ درصد از مصری‌ها اعتماد خود را به دولت و به‌طور کلی دولت ملی از دست داده بودند و میزان مقبولیت دولت مرسی به کمتر از ۲۹ درصد رسیده بود. این در حالی است که در ابتدای انقلاب در ژانویه سال ۲۰۱۱، میزان اعتماد به دولت ۶۶ درصد بود (Mohammad Younis, 2013). عدم کارآمدی دولت مرسی و حاکمیت مصر سبب شد در آوریل ۲۰۱۳، «حزب عدالت و آزادی»، به‌عنوان بازوی سیاسی اخوان و ائتلاف هم‌پیمانش، ۷۳ درصد از مقبولیت خود را از دست بدهند (Ibid). مسئله درخور توجه، تنها کاهش مقبولیت مرسی به‌عنوان رئیس‌جمهور وقت مصر و دولتش نبود، بلکه بی‌اعتمادی مصری‌ها به سازوکارهای دموکراتیک بود. این در حالی است که این میزان (اعتماد مصریان به صحت و سلامت انتخابات) پس از انقلاب با افت و خیز قابل توجه، در نهایت در اواخر سال ۲۰۱۳ به ۳۴ درصد، یعنی پایین‌ترین میزان آن پس از انتخابات رسیده بود (Ibid).

در واقع پیامد این بی‌اعتمادی به سازوکار دموکراتیک را می‌توان در روی آوردن اکثریت به نظامیان، چندپاره شدن جامعه مصر و واگرایی سیاسی-ایدئولوژیک عظیم، مشارکت بسیار پایین در انتخابات و عقیم ماندن گذار دموکراتیک پس از انتخابات مشاهده کرد. آنچه نظرسنجی‌های کنونی نشان می‌دهد، ناامیدی مردم از سازوکارهای دموکراتیک برای اصلاح و بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه اجتماعی، و پررنگ‌تر شدن خواست ثبات سیاسی و امنیت است. طبق نظرسنجی‌های کنونی، بیشتر مردم چشم‌انداز بهبود وضعیت اقتصادی پس از کودتا را محتمل‌تر می‌دانند (Bob Tortora, 2014). میزان اعتماد به دولت ملی که در سال ۲۰۱۳ به پایین‌ترین میزان خود پس از انقلاب رسیده بود (۲۹ درصد) در سال ۲۰۱۴ به بیش از ۷۰ درصد رسید (Mohamed Younis, 2014). اگرچه این آمارها می‌تواند دچار افت و خیز فراوان شود، مسئله‌ای که نقش اساسی را در مشروعیت بخشی به دولت ایفا می‌کند، کارآمدی آن در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که سبب ثبات نسبی در مصر خواهد شد.

مسئله دیگر، سیالیت جهت‌گیری‌ها در جامعه مصر است. این مهم به‌گونه‌ای شمشیر داموکلسی است که می‌تواند چرخه‌ای از انشعاب‌ها و واگرایی‌ها را از سوی، و حمایت‌ها را از سوی دیگر سبب شود. طبق نظرسنجی‌های صورت گرفته از سوی مؤسسه بین‌المللی نظرسنجی پیو (Pew) (Richard Wike, 2014) جهت‌گیری‌های جمعی پس از کودتا را می‌توان ملغمه‌ای از واگرایی شدید در گروه‌بندی‌های جامعه و کاهش شدید اعتماد به

نهادهای دولتی و سازوکارهای دموکراتیک دانست.

به‌طور کلی این افت‌وخیزهای فراوان می‌تواند سیاست مصر را در میان‌مدت و بلندمدت دستخوش تغییر و تحولات گسترده ساخته، عامل افکار عمومی را به یکی از عوامل قدرتمند میدانی تبدیل سازد. البته آنچه پرهیز از آن ضروری می‌نماید، تأکید بر قطعیت و دوری از احتمالات است. در این شرایط است که نمی‌توان ضرورتاً آینده اخوان را از دست‌رفته دانست و به شکست محتوم این سازمان پرسابقه حکم داد و این خود به‌معنای «امکان» بازگشت دوباره این گروه به سپهر سیاست مصر است.

۳. وضعیت اخوان المسلمین پس از کودتای سال ۲۰۱۳ از منظر ارتش و دولت کودتا

فارغ از بحث‌های تاریخی درباره اخوان که مجال طرح آن در اینجا نیست، به عقیده این نوشتار، وضعیت کنونی را باید در یک دیالکتیک مستمر میان اخوان، ارتش و دولت پس از کودتا دید. از این‌رو، تبیین استراتژی و اقدامات پس از کودتا از سوی حاکمیت مستقر را می‌توان راهی برای فهم شرایط کنونی اخوان دانست. همچنین، شرایط پسا - کودتا را می‌توان آغاز بحران درونی اسلام‌گرایی سیاسی در مصر و به‌ویژه جماعت اخوان المسلمین برشمرد. این شرایط در حالی پدید آمده که ساختار رژیم کنونی حاکم در مصر را می‌توان تلاشی قاطعانه از سوی دولت برای به دست گرفتن انحصاری کنترل کامل عرصه سیاست و جامعه به شمار آورد.

این سیاست سرکوب را در چارچوب کلی تمرکز قدرت ارتش - حاکمیت باید دید و طبیعتاً مهم‌ترین چالش این سیاست، اخوان المسلمین و اسلام‌گرایی است که سازمان‌یافته‌ترین گروه و قدرتمندترین جایگزین سپهر سیاست و اجتماع مصر شمرده می‌شوند. تلاش کنونی ارتش که عملاً خود دولت می‌توان به حسابش آورد - و نه بخشی از آن - به حاشیه راندن اخوان و گروه‌های مخالفی است که برای انقلاب دوباره و برقراری دموکراسی و بازگرداندن نظامیان به پادگان‌ها تلاش می‌کنند. برای پاسخ‌گویی به این مشکل، دولت کنونی مصر دست به یک سلسله اقدامات قانونی، ساختاری و امنیتی برای حذف اخوان و اسلام‌گرایی سیاسی زده است. برای نمونه می‌توان به ممنوعیت قانونی حضور اخوان و اسلام‌گرایان و سرکوب شدید سیاسی - اجتماعی، امنیتی و مالی آنان اشاره کرد.

ممنوعیت قانونی حضور اخوان و احزاب اسلام‌گرا در عرصه سیاست: حاکمیت کنونی مصر تحت هدایت سیسی، در تلاش برای بازگرداندن متن قانون اساسی سال ۱۹۷۱ مبنی بر ممنوعیت حضور احزاب مذهبی - دینی و قومی در سیاست است که تا انقلاب ۲۵ ژانویه





هم ماندگار بود، و می‌کوشد تمامی احزاب سیاسی با ریشه‌های مذهبی اسلام‌گرا را از میان بردارد. مسئله مهم اینکه در میان متمم‌های قانون اساسی تصویب‌شده، بار دیگر بر «محوریت ممنوعیت حضور احزاب مذهبی - دینی» تأکید شد و دست دولت را برای استفاده از مهره‌های رژیم سابق باز گذاشت.

یکی دیگر از این تغییرات مهم، گرایش به «انفرادی کردن» کاندیداتوری با تأکید بر ایجاد محدودیت یک‌سوم کرسی‌ها برای احزاب و دوسوم آن برای افراد بود که عملاً برای پوپولیسم پس از کودتا شرایطی مطلوب در قبضه قدرت و بیرون راندن اخوان و دیگر رقبا فراهم آورد (Ahmad Morsy, 2015). اگرچه این اصلاحات با مخالفت گسترده جبهه نجات ملی مواجه شد، با دستور رئیس‌جمهور و اراده از بالا اجرایی گردید (Ahram Online, 2014) تا حلقه محاصره اخوان و اسلام‌گراهای سیاسی را تکمیل و دست حکومت را برای تجویز افراد موردنظر خود به‌صورتی فراجزی و کاهش توان مانور سازمان‌یافته سیاسی از سوی احزاب مخالف، احزاب رقیب و مهم‌تر از همه اسلام‌گرایان باز کند.

بدین‌منظور با فشار فزاینده حاکمیت، اخوان المسلمین و بازوی سیاسی آن، یعنی حزب آزادی و عدالت، جماعة الاسلامیه (حزب توسعه و سازندگی)^۱، مخالفان اسلام‌گرای اخوان (حزب الوسط) و گروه‌های کوچک سلفی (حزب فضیلت، حزب اصلاح، حزب اسلامی کار، حزب الوطن و جبهه سلفی) طبق ماده ۷۴ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر به‌منظور ممانعت از آمیزش دین و سیاست و با هدف تلاش برای محافظت از جامعه مصر در برابر ایدئولوژی‌های واپس‌گرایانه، غیرقانونی اعلام شدند و حتی تلاش‌هایی برای سرکوب احزاب سلفی وفادار به کودتا همچون حزب سلفی النور نیز صورت گرفت. تصویب متمم اصلاحی قانون اساسی و به دنبال آن اعلام نام اخوان المسلمین به‌عنوان گروهی تروریستی در دسامبر ۲۰۱۳ (Ahram Online, Thursday 26 Dec 2013) و در گام بعد، انحلال بازوی سیاسی آن، یعنی حزب عدالت و آزادی در آگوست ۲۰۱۴ (Political the Guardian, Saturday 9, August 2014) عملاً حامل این پیام بود که اسلام‌گرایان تا مدت‌ها جایی در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری نظام کنونی مصر پس از کودتا نخواهند داشت.

بدین ترتیب، رژیم توانست در زنجیره‌ای از کنش‌های حقوقی - ساختاری به بستن

۱. البته جماعة الاسلامیه با حکم کمیته نظارت بر احزاب سیاسی، در همان زمان پس از انقلاب (سپتامبر ۲۰۱۱) به دلیل فعالیت‌های تروریستی و کنش مسلحانه در دهه نود میلادی و مخالفت با قانون منع فعالیت‌های احزاب دینی - اسلامی، از حضور در عرصه سیاست منع شده بود.

منافذ حضور و نفوذ اخوان دست زند. گام دیگر، حفظ شرایط سرکوب و دستگیری گسترده مخالفان و به‌ویژه اخوانی‌ها از سوی حاکمیت بود تا بتواند از نظر سازمانی و درون‌سازمانی به این گروه ضربات مؤثر وارد آورد و برای متلاشی ساختن آن اقدام کند.

سرکوب اخوان المسلمین از سوی حاکمیت: سیاست کلان رژیم کنونی، سرکوب گسترده اخوان و اسلام‌گرایان، تلاش برای اخوان‌زدایی به‌صورت گفتمانی - کلامی (Rhetoric) و سرکوب پلیسی - امنیتی شدید با دستگیری اعضای ارشد اخوان المسلمین و فعالان سیاسی عضو آن است.

در قالب گفتمانی قضیه با توجه به موج ناراضی‌های مردم از مرسی و ضعف شدید جامعه مدنی و ساختار سیاسی مصر، حکومت سیسی به پوپولیسمی فراگیر دست زده است تا بتواند افزون بر مشکل عدم پایگاه اجتماعی در ساختار سیاسی این کشور، خود را به‌عنوان نجات‌دهنده این کشور از ناامنی، بی‌ثباتی، تروریسم معرفی کند و با بزرگ کردن خطر اخوان و تقویت خود، سعی در بازی با کارت چپ‌ها، ناصریست‌ها، لیبرال‌ها، سلفی‌ها و ملی‌گرایان دارد. با توجه به بسته بودن فضای آزادی بیان، رسانه‌های منتقد و احزاب مستقل دارای پایگاه اجتماعی قوی و نیز جامعه مدنی ضعیف، سیسی توانسته از این خلأ استفاده بهینه کند و به سیطره و انحصار نسبی خود بر فضای سیاسی دست زند. از سوی دیگر، پوپولیسم موجود به‌واسطه بحران اقتصادی و فقر تقویت شده و عملاً فکر ثبات و رشد بر دموکراسی و آزادی غلبه یافته است.

در راستای سیاست سرکوب و حذف رهبران اثرگذار اخوان، در آوریل سال ۲۰۱۴، دستگاه قضایی مصر ۶۸۲ نفر از اعضا و طرفداران رئیس‌جمهوری سابق (مرسی) را به اعدام محکوم کرد (Patric Kingsley, 2014). در همین رابطه بسیاری از رهبران ارشد اخوان، یا در تبعید به ترکیه و انگلستان به سر می‌برند و آنها هم که ماندند، دستگیر شدند و به حبس ابد یا اعدام محکوم گردیدند و اموالشان مصادره شد (Egypt Independent, May 15, 2013). از جمله می‌توان به دستگیری محمد مرسی، رهبر اخوان و رئیس‌جمهور سابق مصر اشاره کرد. همچنین برخی دیگر از دستگیرشدگان بدین قرارند: محمد بدیع رهبر ارشد و مرشد اعظم اخوان، خیرات شاطر قائم‌مقام و از رهبران اخوان، قائد الحداد سخنگوی اخوان و مشاور ارشد حزب عدالت و آزادی و پدرش عصام الحداد مشاور ارشد سیاست خارجی کابینه مرسی، محمد بلتاجی از اعضای پارلمان مصر از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ و دبیرکل حزب عدالت و آزادی، سعد الکتانی رهبر حزب عدالت و آزادی، حسام العریان قائم‌مقام





حزب عدالت و آزادی، راشد البیومی معاون جنبش اسلام‌گرایان مصر، محمد عاکف مرشد عام ۸۸ ساله اخوان، در کنار عده بسیاری از رهبران و اعضای ارشد و میانه گروه‌های اسلام‌گرا (Ahram Online, 4 July 2013; 10 July 2013).

شرایط پس از کودتا برای اخوان بنا به گفته عمر دراج، یکی از اعضای ارشد این سازمان و وزیر ارتباط و همکاری‌های بین‌المللی دولت سابق به‌گونه‌ای است که: «انگار در طول یک شب به شصت سال پیش برگشته باشیم» (Martin Chulov and Patrick Kingsley, 2013). این در حالی است که بسیاری از اعضا و رهبران این گروه نیز مصر را به مقصد ترکیه، انگلستان، قطر و دیگر دفاترشان در نقاط دیگر ترک کرده‌اند و به دنبال ایجاد دفاتر فعالیت در خارج از مصر به‌منظور مصون ماندن از سرکوب هستند. در غیاب رهبران اثرگذار و مهم این گروه، وضعیت آینده آن، چگونگی کنش و مواجهه با دولت کنونی، بحث منابع مالی و سازمانی، اینکه کدام گفتمان میانه‌رو یا جهادی باید حاکم شود و مسائلی همچون بازسازی و بازیابی گروه اخوان، این سازمان را به چند شاخه تبدیل کرده است.

۴. تأثیر عامل منطقه‌ای و بین‌المللی در واگرایی اخوان

الف) بازیگران منطقه‌ای

بازیگران پس از قدرت‌گیری مرسی و به دنبال آن کودتای سیسی در مصر به دو دسته موافقان و مخالفان تقسیم می‌شوند. مخالفان اخوان آنهایی‌اند که موفقیت این گروه را در تثبیت قدرت و به‌دست گرفتن حاکمیت، به‌طور بالقوه و بالفعل تهدیدی برای خود پنداشتند. از جمله شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، همچون کویت و امارات که دارای نسخه سکولاریسم اقتدارگرایانه بودند یا دسته دیگر به رهبری عربستان که ادعای پرچمداری نسخه سیاسی خاصی از وهابیت دارند. اخوان المسلمین مصدر، به‌خودی‌خود تهدیدی بالقوه در تغییر ژئوپلتیک منطقه برای این کشورها خواهد بود. بازیگران دیگر نیز هرکدام بنا به دلایلی با اخوان مخالف بودند و هرکدام در سقوط مرسی نقش داشتند؛ همچون اردن که ترس از قدرت‌گیری اخوان اردنی را دارد یا اسرائیل که تهدید پیوستن شبه‌نظامیان سینا و تشکیل مثلث سینا - اخوان - حماس و نفوذ ایران را احساس می‌کند، و نیز آمریکا که عملاً در موضع تردید و ابهام به سر می‌برد. از طرفی بازیگران حامی اخوان، ترکیه و قطر هستند که مأمور این گروه پس از کودتا گردیده، با انتقاد مستقیم از رژیم سیسی، به پناهگاهی برای سازمان‌یابی دوباره اخوان بدل شده‌اند.

دسته نخست به تزریق پول به اقتصاد فرسوده مصر و حمایت‌های سیاسی، دیپلماتیک

و نظامی می‌پردازند و دسته دیگر به تقویت لجستیکی اخوان و تلاش برای اسقاط رژیم سیسی و متحد کردن اخوان مشغول‌اند. به نظر می‌رسد در میانه این کارزار منطقه‌ای، اخوان چیزی جز ماهیتی سیاسی برای گرفتن کارت بازی نباشد. در واقع هر دو دسته حامیان و مخالفان اخوان در گسست سازمانی این گروه نقش ایفا کرده و می‌کنند؛ حال یکی با کمک به رژیم سیسی و حمایت از سرکوب فزاینده، و دیگری با چنددسته کردن آن، که عملاً به عدم انسجام جمعیت اخوان از یک سو و انفعال این گروه از سوی دیگر انجامیده است.

ب) بازیگران بین‌المللی

در طول چند دهه گذشته، بحثی که همواره ذهن سیاستمداران آمریکایی را به خود مشغول داشته، این بوده است که چه سیاستی در مقابل اسلام‌گراها باید داشت؛ اینکه چگونه اسلام‌گراها را به جای حذف، مدیریت کرد و از آنها به‌عنوان کارت بازی حتی در زمان عدم حضور در قدرت بهره برد یا اینکه آنها تا چه میزان می‌توانند شریک قابل اطمینانی (Mary Beth Sheridan, 2011) برای پیشبرد سیاست‌ها / منافع واشنگتن و غرب باشند (Shadi Hamid, 2011). مسئله دیگر، اهمیت دیدن آنها در چارچوب نظم بین‌المللی تحمیل شده به منطقه و ضرورت حفظ انضباط ژئوپلیتیک خاورمیانه است.

افزون بر عوامل منطقه‌ای، در سطح بین‌الملل نیز اتخاذ مواضع نامشخص از سوی ایالات متحده به‌عنوان مؤثرترین بازیگر بین‌المللی در سیاست مصر، به تأیید ضمنی کودتا و ادامه سرکوب تعبیر شده است. علت این ابهام و عدم قطعیت را شاید بتوان در ساختار پیچیده حقوقی ایالات متحده و اکاوی کرد؛ جایی که دچار انشقاق سیاسی در خصوص اتخاذ تصمیمی نهایی درباره اخوان بوده است.

سیاست آینده آمریکا در قبال اخوان نیز طبیعتاً دستخوش روابط قدرت در داخل این کشور میان کنگره، ریاست جمهوری، گروه‌های فشار، عامل ترس از تکرار یازده سپتامبر دیگر، پراگماتیسم آمریکایی، واقع‌گرایی و منافع ملی آمریکا خواهد بود و بدین ترتیب نمی‌توان به موضع مشخصی تا زمان برآمدن سنتزی مشخص از این ماتریس دیالکتیکی حکم کرد. اگرچه ظهور ترامپ و قدرت‌گیری جمهوری خواهان که با حمایت و خرسندی رژیم سیسی مواجه شده (Oren Kessler, 2016) و چندان درصد حمایت از خیزش‌های دموکراتیک در جهان عرب نیست، در درازمدت گره کور اخوان را پیچیده‌تر و دولت سرکوبگر را قدرتمندتر خواهد کرد.

آخرین حلقه از این سه‌گانه ارتش و رژیم کودتا و عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی،



3



اختلافات درون گروهی اخوان است. اگرچه این اختلاف ها را می توان پیامد دو عامل ذکر شده نیز دانست که از آنها تغذیه می کند، لیکن به طور مستقل قابل بررسی است؛ به طوری که این عامل داخلی، خود یکی از دلایل مهم و شاید مهم ترین متغیر در صحنه کنونی به منظور توضیح پتانسیل انشعاب در اخوان نیز به شمار آید.

۵. گسست سازمانی اخوان المسلمین مصر پس از کودتا

شکاف عمده اخوان را پس از کودتا می توان به صورت سه شکاف عمده نسلی، سازمانی و ایدئولوژیک در نظر گرفت. این شکاف ها، متداخل و متقاطع بوده، از شکاف هایی فزاینده هستند که البته به شدت از وضعیت سرکوب دولتی - که شرح آن رفت - و نیز مشکلات مالی، فقدان حضور رهبران کاریزماتیک و با سابقه در حال حاضر با توجه به موج دستگیری ها، وضعیت بحران وجودی ای متأثرند که اخوان را درگیر خود ساخته است.

اخوان المسلمین در حال حاضر و در شرایط پسا - کودتا به عنوان یک سازمان / پدیده ماهوی سیاسی درهم شکسته است. در حال حاضر مهم ترین پرسش های پیش روی اخوان، چگونگی پاسخ به سرکوب دولتی گسترده و خشونت آمیز و نیز چگونگی جلب حمایت مردم مصر پس از کاهش شدید سرمایه اجتماعی این گروه است. مسئله مهم این است که این سه شکاف در کنار هم، هر کدام به ایجاد سازمانی تودرتو و منفک دامن زده و اکنون شرایطی پدید آمده که گویا هر کدام از اینها داعیه دار رهبری اخوان هستند و عملاً پژوهشگر را با سردرگمی فراوانی مواجه می سازند. این شکاف ها با گذشت زمان به نظر آن قدر در حال گسترده شدن است که اخوان را به سوی انشعاب در آینده هدایت خواهد کرد. اخوان کنونی را می توان حول محور این شکاف ها در سه دسته کلان طبقه بندی کرد:

● **شاخه محافظه کار:** رهبری این گروه شامل اعضای شورای رهبری و دفتر ارشاد می شوند؛ کسانی که از سرکوب های پس از کودتا گریخته اند. از اعضای تأثیرگذار شاخه محافظه کار اخوان، می توان از «محمود عزت»، دبیرکل اخوان تا سال ۲۰۰۹ و یکی از اعضای بلندمرتبه آن، «محمود حسین» که پس از عزت دبیرکل شد و پیش از آن سخنگوی سازمان در غرب نیز بود و اکنون ظاهراً در قطر پناهنده شده است و «ابراهیم منیر»، سخنگوی سازمان در غرب که از ۱۹۸۱ در تبعید به سر می برد، نام برد.

این جریان به دنبال بازگرداندن شرایط به عقلانیت درون سازمانی و بازستاندن نقش های رهبری از دیگر شاخه ها و حاکم کردن گفتمان کنش مسالمت آمیز و اسلام میانه رو بر کلیت سازمانی اخوان است؛ یعنی حاکمیت گفتمان مدارا و مشارکت مدنی و پرهیز از خشونت

الحدیبی. البته اعضای سابق و محافظه‌کاران اخوان با اقدام مسلحانه و جهاد علیه حاکمیت مصر موافق نیستند و بر این باورند که بدین ترتیب، افزون بر افزایش فشارها بر سازمان، خشونت متقابل به کاهش کارتهای بازی اخوان در آینده خواهد انجامید و جان رهبران و اعضای آن و نیز حیات خود سازمان را به خطر خواهد انداخت. رهبران محافظه کار اخوان در تلاش برای ایجاد رهبری یکپارچه و تحت کنترل درآوردن تندروهای طرفدار خشونت متقابل و جهاد هستند (Eric Trager and Marina Shalabi, 2016) و بدین منظور، افزون بر مخالفت با خشونت و اقدام مسلحانه، سخنگوی آتش افروز این گروه، «محمد منتصیر» را نیز که با شاخه انقلابی اخوان هم‌پیمان شده بود، برکنار کردند.

اگرچه شاخه تحت هدایت محمود عزت در حال حاضر از نظر سازمانی قدرتمندتر بوده، از حمایت‌ها و منابع مالی بیشتر، روابط بین‌المللی گسترده‌تر و حمایت افراد تأثیرگذار سازمان، همچون ابراهیم منیر و محمود حسین برخوردار است، لیکن هنوز هم توان تمرکز سازمانی تحت رهبری خود را ندارد و تا حدودی با سیر پیش‌رونده و سیالیت متغیرهای عرصه کنش پیش نرفته است.

● شاخه انقلابی: این شاخه از رهبران میان‌رده‌ای تشکیل شده است که پس از سقوط مرسی در مصر ماندگار شدند و دفتر کارهای قدرتمندی در اسکندریه و قاهره دارند؛ اگرچه اکنون به‌صورت زیرزمینی مشغول به فعالیت هستند و دفترهایشان بسته شده است. ایشان پس از تلاش‌های فراوان برای سازمان‌دهی گروه، هدف خود را فعالیت انقلابی علیه رژیم تعریف کردند و بدین ترتیب، شاخه راست رادیکال توانسته است با بهره‌گیری از خلأ رهبری در فوریه ۲۰۱۴، اخوان را به برگزاری انتخابات داخلی برای جایگزینی رهبران در بند مجبور کند تا بدنه گروه بازسازی شود و به مسئله خلأ رهبری پاسخ عملی دهند. این انتخابات درونی به بازگذاشتن دست جوانان میان‌رده سازمان برای برعهده گرفتن نقش‌های اساسی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های آن انجامید و عملاً موجب شکستن سلسله‌مراتب سازمانی گشت.

از اقدامات این گروه می‌توان به تشکیل «کمیته مدیریت بحران» اشاره کرد که با هدف مدیریت شرایط موجود تأسیس گردید؛ اگرچه با دستگیری تعدادی از این جوانان و به دنبال دستگیری «محمد وحدان» این کمیته منحل شد و «کمیته عالی اجرایی» جای آن را گرفت، ولی به‌هرحال، این مسئله به تنش‌های اعضای محافظه‌کار و اعضای ارشد با جوانان افزود؛ زیرا جوانان اخوان، اعضای ارشد آن را مسئول دستگیری وحدان و خیانت آنها می‌دانستند





که در نهایت محمود عزت را که سعی در تعدیل گرایش‌های محافظه‌کارانه خود داشت، به‌عنوان رهبر و مرشد عالی‌اخوان بر سر کار گذاشتند.

همچنین از دیگر اقدامات آنها تلاش برای همگرایی جوانان و پرهیز از اختلاف‌های درونی با هدایت دو عضو شورای مشورتی «محمود کمال» و «محمد منتصر» سخنگوی رسمی اخوان ذیل چتری به نام «جریان بیداری» است. برای جوانان دست راستی اخوان پاسخ به مشکلات کنونی، لازمه فاصله گرفتن جدی از رویکرد سازش‌طلبانه و مداراجویانه پیشین است. شاخه راست رادیکال - انقلابی، صلاحیت رهبران محافظه‌کار و باسابقه اخوان را زیر سؤال برده، ساختار متصلب سلسله‌مراتبی و هرمی‌شکل و نیز رویکرد منفعلانه و سازش‌پذیر آن را به باد انتقاد گرفته است (Samuel Tadros, 2015).

از طرفی برخی از این جوانان به دنبال ائتلاف با جنبش جوانان ششم آوریل برآمده‌اند که شاید یکی از بدترین سناریوها برای رژیم سیسی باشد. این دو گروه اهداف مشترکی نیز دارند که می‌تواند به‌عنوان گرانپگاه آنها به‌منظور هدایت کنش همسو علیه دشمن مشترک و برای خواست مشترکشان عمل کند. این اهداف به‌طور کلی شامل دستگاه قضایی مستقل، انتخابات آزاد و عادلانه، پایان دادن به قانون شرایط اضطراری، آزادی مطبوعات و کاهش مداخله دولت در جامعه مدنی و بازگرداندن ارتش به پادگان‌هاست. آنها همچنین پایان دادن به مداخله و نفوذ کشورهای مرتجع منطقه، همچون عربستان و پایان نفوذ ایالات متحده را نیز خواستارند.

مسئله پیش‌روی شاخه جوانان رادیکال راست یا به تعبیری گروه انقلابی‌ها و کمالیست‌ها، فقر شدید منابع مالی است. آنها به دنبال انجام عملیات تلافی‌جویانه و مقابله‌ای هستند که از جمله می‌توان کمیته‌های «پاسداران انقلاب» یا «کمیته مجازات» را نام برد.

● شاخه استانبول (تبعیدی‌ها): شاخه استانبول سازمان اخوان مصر در سال ۲۰۱۴ تحت رهبری «احمد عبدالرحمان» که پزشکی از قاهره و از اعضای باسابقه اخوان بود، به منظور ایجاد پایگاه جدید برای سازمان‌دهی عملیات اعلام وجود کرد. هدف اصلی این گروه، تلاش برای همگرایی و هماهنگی اقدامات فردی و گروهی علیه رژیم کودتا و حفظ ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های خارجی با بهره‌گیری از کمک‌های لجستیکی و دیپلماتیک ترکیه است که به‌وسیله «محمود حسین» دبیرکل اخوان رهبری می‌شوند. این جناح از جناح راست افراطی اخوان، یعنی سازمان جوانان آن که در مصر مستقر و به دنبال گرایش به سمت رادیکالیسم افراطی است، هراس دارد؛ لیکن درعین حال، بیشترین قربان



را به استراتژی مقابله به مثل با رژیم سیسی با ایشان داراست.

به نظر می‌رسد شاخه استانبول اخوان مصر درصدد استفاده از حمایت‌های اردوغان به‌منظور بی‌اعتبار کردن رژیم سیسی با یک استراتژی کنش چندوجهی در عرصه سازمان-های بین‌المللی، نظام بین‌الملل، سازمان ملل، بازیگران منطقه‌ای همسو و کنش رسانه‌ای است. این در حالی است که این پناهندگان به تشکیل شورای انقلابی مصر پرداختند و نیز با کمک‌های دیپلماتیک دولت ترکیه، به تأسیس دفتر مرکزی خود در ژنو موفق شدند. بدین ترتیب، می‌توان استراتژی اخوان را در جهت مشروعیت‌زدایی بین‌المللی از رژیم سیسی در مصر دانست. در همین خصوص، ایشان دو کنفرانس برای بررسی چگونگی کنش در زمینه اجتماعی پساکودتا برگزار کردند و طبق پژوهشی که مرکز بین‌المللی اخوان انجام داده بود، بر اتخاذ استراتژی صبر و انتظار با برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخشی، تلاش برای محاکمه رهبران نظامی مصر، شعله‌ور نگاه داشتن اختلاف‌های درونی مصر و جلوگیری از عادی‌سازی شرایط داخلی از سوی رژیم سیسی، فراخوانی برای نافرمانی مدنی و محاصره نهادهای حکومتی کلیدی توافق نمودند.

دومین اجلاس اخوان در استانبول به بررسی پیامدهای سقوط اخوان بر سازمان‌های پیوسته و برادر در تونس، سودان، اردن و الجزایر پرداخت و موانع تردد بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را بررسی کرد (Mohammad Abdel Kader, 2013). البته استانبول پس از آن هم بارها میزبان این اجلاس‌ها شد، لیکن بحث کنونی کنش دیپلماتیک و تلاش در جهت هماهنگی اقدامات در داخل بوده است.

مسئله اینجاست که این گسست‌ها عملاً سبب انشقاق سازمانی اخوان شده است و بدین ترتیب، شخصیتی واحد یا ایدئولوژی و استراتژی یکسانی که اخوان را متحد نگاه دارد، مشاهده نمی‌شود. این مسئله شاید حاصل دو شکاف متقاطع و متداخل دیگر نسلی و ایدئولوژیک نیز باشد که عملاً راه را بر وحدت و همگرایی بسته است یا دست‌کم آن را بسیار دشوار و دور از انتظار ساخته است.

۶. گسست نسلی اخوان

یکی دیگر از این گسست‌ها، گسست نسلی است که در واقع این تغییر و دگردیسی درونی، حاصل فشار فزاینده رژیم سیسی به شمار می‌آید. با توجه به اینکه رهبران ارشد سازمان، یا در زندان و یا در تبعید خودخواسته و ناخواسته به سر می‌برند، اعضای جوان در مصر راهی جز فعالیت معطوف به شرایط موجود، یعنی شرایط سرکوب و فقدان رهبری منسجم ندارند.



در میان همین رهبری جدید سازمان، افرادی هم هستند که پشتیبان دکترین «خشونت دفاعی و پیش‌دستانه» با هدف بی‌ثبات کردن رژیم سیسی با حمله به زیرساخت‌ها و نیروهای امنیتی هستند. آن‌گونه که شادی حمید، تحلیلگر ارشد مصر نیز بیان می‌دارد، این شکاف نسلی امری محتوم است:

اگر شما یک اخوانی شصت ساله باشید، دکترین عدم خشونت را با خود دارید که حاصل دهه‌ها فعالیت مسالمت‌آمیز بوده است؛ لیکن اگر فردی بیست و چند ساله باشید و تنها چند سالی است که در اخوان المسلمین فعالیت می‌کنید، چسبندگی ایدئولوژیک و عملی چندانی به آن نخواهید داشت (Janine Di Giovanni, 2015).

بسیاری بر این باورند که این رویکرد، در واقع بازی در زمین رژیم حاکم است. بنا به گفته یکی از اعضای سابق اخوان، این سازمان دچار فقدان کنترل بر اعضایش شده است: کاملاً پراکنده شده است؛ تا آنجاکه هنگامی که از رهبران آن می‌پرسید چرا برای آرام کردن جوانان اقدامی صورت نمی‌دهند، پاسخ این است که: هرکس در مصر بر مبنای دریافت خودش اقدام می‌کند (Ibid).

در همین راستا است که محمد قائم، رهبر اخوان المسلمین در بریتانیا بر این باور است که این شرایط موجود است که اخوان را به سمت رادیکالیزه شدن پیش می‌برد، نه ایدئولوژی و ذات و ماهیت اخوان:

ما در تلاشیم تا شعله خشم جوانان را کم کنیم و آنها را با مواضع خود در ضرورت کنش سیاسی میانه‌رو مبتنی بر مشارکت با پرهیز از خشونت همراه سازیم و به آنان بفهمانیم هرگونه خشونت، زیان‌آور است.

به‌طور کلی تلاش برای اعمال کنترل بر منابع انسانی و مالی اخوان و مسئله انحصار کنش مشروع سازمانی، آنها را به رویارویی با یکدیگر در داخل سازمان سوق داده است. برای نمونه، شاخه استانبول با شاخه لندن تحت کنترل ابراهیم منیر و محمود عزت درگیری و رقابت دارند و شاخه مصر نیز این دو را به دلیل فاصله گرفتن و سرکوب پتانسیل انقلابی سازمان نمی‌پذیرد. پررنگ شدن دوگانه قطب - حدیسی در این جهت‌گیری‌ها بسیار آشکار به نظر می‌رسد و این شکاف نسلی سبب روی آوردن جوانان به بازخوانی کنش انقلابی از دریچه رادیکالیسم سید قطب شده است.

از یک‌سو، بحث بر ضرورت مداومت بر اسلام میانه‌رو و پرهیز از هرگونه خشونت و رادیکالیسم است و از سوی دیگر، تلاش شاخه جوانان و رهبران میانی اخوانی را در مصر بر

نیاز به گسست گفتمانی، عملی و نظری از راهبرد مشارکت سیاسی به مقابله مسلحانه شاهدیم. این مسئله موجب تلاش‌های اخوانی‌ها بر بازتعریف مبانی در جهت اجتهاد فقهی - کلامی به‌منظور تئوریزه کردن کنش انقلابی و کنش سیاسی شده است. در همین راستا می‌توان به فتوای دهم ژانویه سلامه عبدالقوی، سخنگوی وزارت اوقاف کابینه مرسی مبنی بر مقابله به مثل و قیام مسلحانه اشاره کرد. طبق این فتوا «کشتن سیاسیون و رهبران فاسد حکومت کودتاچیان فرد را به خدا نزدیک‌تر می‌کند». درگیری و رقابت درونی تا آنجا پیش رفته که گروهی فتوا می‌دهند و گروهی دیگر به تقبیح این نوع کنش دست می‌زنند.

مسئله دیگر، شکست ساختار سلسله‌مراتبی اخوان از سوی دو گروه انقلابیان جوان و شاخه استانبول است؛ اولی به دنبال فتوا و کنش مسلحانه و دیگری به دنبال ترویج خشونت و افراط‌گرایی رسانه‌ای - گفتمانی است. گروه اخوانی که عضویت کامل در آن نیازمند پنج تا هشت سال آموزش اسلامی فرد بود و رهبران آن از این طریق به دنبال اسلامی کردن خانواده‌ها، جامعه، دولت و جهان بودند و به‌طور کلی شیوه منحصربه‌فردی در هواداری و عضویت و نفوذ سازمانی داشت و توانسته بود بیش از هشتاد سال سرکوب را با یکپارچگی خود تاب آورد (Al-Anani, Khalil, 2016, Chapter 5) اکنون در شرایطی به سر می‌برد که اعضایش به سلول‌هایی تبدیل شده‌اند که با اجتهاد شخصی - گروهی گروهک‌های درون‌سازمانی، دست به کنش می‌زنند و بدین ترتیب، عملاً ساختار سلسله‌مراتبی متمرکز تصمیم‌گیری دچار شکست فزاینده شده است.

اگرچه این دوگانه نحوه کنش برای سال‌ها در اخوان وجود داشت، تحت تأثیر ساختار استوار و متمرکز سازمان و رهبران کاریزماتیک آن کنترل شده بود (Carrie Rosefsky Wickham, 2013)؛ دوگانگی‌ای که محور آن میان کسانی که به تعهد اخوان به دنبال کردن رویکرد غیرخشونت‌آمیز و آنها که خشونت را در زمان‌هایی خاص مجاز و مشروع می‌دانستند، جاری است. در همین راستا در ژانویه ۲۰۱۴ وبسایت عربی‌زبان اخوان المسلمین اطلاعیه‌ای انتشار داد که نشان‌دهنده ورود اخوان به فضایی جدید و تغییری درون‌پارادایمی است:

ما در آغاز دورانی جدید هستیم؛ دورانی که به تجمیع قدرت خود و تعریف و احیای معنای جهاد دست می‌زنیم... [ما] خود را آماده کرده‌ایم؛ زنان، فرزندان و دخترانمان و آنها که راه ما را در جهان بی‌وقفه دنبال می‌کنند. ما طالب شهادت برای آزادی هستیم (Abdelrahman Ayyash, 2015).



اعلامیه‌ای که در جولای ۲۰۱۵ به خبرگزاری آسوشیتدپرس (AP) تحویل داده شد، به‌روشنی از نیاز به شورش و انقلاب سخن می‌گوید:

برای دفاع از کشور، خود و فرزندان‌تان علیه وضع موجود شورش کنید. سنگرها و دژهای سرکوب و استبداد او [سیسی] را بشکنید و بار دیگر مصر را از نو اصلاح کنید. مرگ رهبرانمان نقطه عطفی است که پیامدهای خود را به دنبالش خواهد داشت... سیسی در حال آغاز دوره جدیدی از خشونت و سرکوب است؛ مرحله جدیدی که امکان کنترل خشم بخش‌ها و طبقات سرکوب شده‌ای که کشته شدن در خانه و کاشانه‌هایشان و جلو چشم عزیزانشان برای ایشان پذیرفتی نخواهد بود (The Associated Press, July 1, 2015).

۷. گسست ایدئولوژیک؛ بازگشت به دوگانه قطب - الحدیبی

دوگانه قطب - الحدیبی از آنجا آغاز می‌شود که الحدیبی، رهبر اخوان در دوران حبس خود، اقدام به نگارش دست‌نویسی کرد که پس از مرگش در ۱۹۷۷ به چاپ رسید. او در نوشته‌های خود افزون بر رد اثر *نشانه‌های راه سید قطب* و افکار تندروانه مودودی، به رد اندیشه تکفیر و جاهلیت سید قطب نیز می‌پردازد. بر مبنای تفسیر حدیبی، قضاوت درباره مسلمانان تنها بر عهده خداوند است و قرار نیست دولت غیراسلامی (جاهلیت) را با جهاد از سر راه برداشت. تلاش اصلی الحدیبی، در واقع کوشش برای از میان برداشتن شاخه مخفی ترور اخوان و اتخاذ سیاست اسلام میانه‌رو و مشارکت در عرصه سیاسی و فعالیت در حوزه عمومی و مدنی بود؛ جایی که با مخالفت‌های درون‌سازمانی نیز مواجه شد. در عمل ماحصل تلاش وی پرهیز اخوان از سیاست خشونت و نوعی سازش رژیم‌های سادات و مبارک با ایشان بود (Sivan, 1985, p.108-110).

با توجه به گسست سازمانی، نسلی و ایدئولوژیک اخوان المسلمین، عملاً هیچ‌گونه اجماعی درباره روی آوردن به کنش خشونت‌آمیز و مسلحانه وجود ندارد. درحالی که برخی از اعضای بلندپایه اخوان به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر زمان تغییرات مقطعی و تدریجی گذشته و نیاز به روی آوردن به دگرگونی‌های انقلابی فرارسیده است. در این باره عمر دراج، یکی از اعضا و رهبران برجسته سازمان و وزیر سابق همکاری‌های بین‌المللی دولت مرسی بر این باور است که «دیگر زمان تغییرات تدریجی و مقطعی سپری شده است» (Robert Fisk, 2015). افزون بر این، تلاش برای روی آوردن به اجتهاد فقهی - کلامی در خدمت کنش انقلابی خشونت‌آمیز، یکی از سیاست‌هایی بوده که اخوان در پیش گرفته است. با وجود این، به نظر می‌رسد به‌رحال بذر اخوان المسلمین رادیکالیزه شده (نوعی از



جهادگرایی اخوانی) کاشته شده است.

در اوج نفوذ شاخه انقلابی اخوان در اوایل سال ۲۰۱۵، برخی از رهبران آن به‌طور غیررسمی نشست‌ها و کمیسیون‌هایی را به همراه برخی از علمای اسلامی وابسته به خود برگزار کردند که حاصل آن، دستورالعمل‌هایی در ۹۳ صفحه به‌صورت کتابی با عنوان *دستورالعمل شرعی مقاومت مردمی در برابر کودتا* بر مبنای شریعت اسلامی برای مقابله با سرکوب گسترده دولتی است. این روشن‌ترین صورت اجتهادگرایی از سوی علمای غیرسلفی برای تطبیق و آشتی دادن اصول اخوان با روش خشونت‌آمیز است. براینکه آن، این بود که سبسی در واقع مرتد نیست، بلکه «اهل بغی» یا فتنه است و علیه رهبر قانونی دین پناه (محمد مرسى) شوریده است و به این دلیل که سبسی و حکومتش از خشونت علیه مسلمانان استفاده کرده‌اند، به‌صورت دشمنانی درآمده‌اند که بر اساس قانون شرع مهدورالدم هستند (بیان من الهيئة الشرعية إلى جميع الإخوان، ۲۰۱۵). به دلیل اینکه مصری‌ها از به کار بردن مفهوم «ارتداد» کراهت دارند و دید مناسبی به تکفیرکنندگان ندارند، اخوان با بازی با الفاظ توانسته است به‌صورت فقهی - کلامی - و بدون نام بردن از سید قطب - به اجتهاد در جهت تحول و تقویت شاخه انقلابی برای مقابله با حاکمیت روی آورد. در همین راستا شاخه انقلابی این گروه، استفاده حسن البنا را از نماد دو شمشیر در نشان رسمی اخوان، دال بر تکیه بر مفهوم «قدرت» به‌مثابه توجیه‌کننده مقابله به مثل خشونت‌آمیز با دولت بازتفسیر کردند. بدین ترتیب، گروه‌های مختلفی تحت حمایت شاخه انقلابی اخوان در نقاط گوناگون تشکیل شده است که «پاسداران انقلاب» و «کمیته مجازات انقلابی» از آن دسته‌اند و در به‌کارگیری مانیفست جهادی - رادیکال اخوان تلاش می‌کنند (Mokhtar Awad, 2015).

این تغییر پارادایم اسلام سیاسی مصر و خاصه اخوانی که با کشاکش‌های درونی و عدم وحدت داخلی، این گروه را به انفکاک درونی کشانده، آغازی برای گسست جدی درون‌سازمانی اخوان به شمار می‌آید. در اواخر ژانویه، جنبش اطلاعیه‌ای اینترنتی منتشر کرد که برخی آن را آغاز دور جدیدی در گسست از سیاست عدم خشونت می‌دانند: ما در آغاز یک راه و مرحله جدید قرار داریم؛ جایی که نیروی خود را تجمیع کرده و به دنبال احیای معنای جهاد بر خواهیم آمد....

به نظر می‌رسد این موج تأیید خشونت‌ها احتمالاً به اتخاذ خشونت به‌مثابه روشی برای مقابله با دولت مصر بینجامد. در دستور کار رسانه‌ای اخوان، البته این دگرگونی پیش‌رونده





به‌سوی خشونت محسوس‌تر است. اعضا و طرفداران آن نظامیان و سران و افراد رژیم را «مرتدین» می‌خوانند که خیزش گفتمان سلفی - جهادی ذت در میان اعضای اخوان نشان می‌دهد.

از طرفی تلاش‌هایی نیز از سوی القاعده برای جذب جوانان به جهادگرایی و اقدام خشونت‌آمیز در جریان است که می‌توان از آن جمله به پیام پانزده دقیقه‌ای «ایمن الظواهری» اشاره کرد. او در این پیام خطاب به مصری‌ها تأکید می‌کند که راه مبارزه دیگر از دموکراسی و صندوق‌های رأی نمی‌گذرد و به مقاومت مسلحانه نیاز است (Hurriyat Daily News, August 3, 2013).

تأکید رسانه‌های دولتی بر یکی دانستن اخوان با تروریست‌های تکفیری و جای دادن آنها در کمپ سلفی - جهادی نیز خود می‌تواند عامل دیگری برای بی‌تفاوتی و از خودبیگانگی اعضای ساده و شئون مختلف اخوان باشد که طبقه متوسط هستند (Abdelrahman Ayyash, 2015). همچنین، ناامیدی اخوان از سازوکار قانونی برای مشارکت و ادامه سرکوب و سیاست مشت آهنین سیسی، در کنار فشارهای فزاینده نسل جوان و انقلابی سازمان، اتخاذ این شیوه «خشونت هدفمند» را محتمل کرده است. گفتنی است یکی از سیاست‌هایی که در بین همه شاخه‌های اخوان وحدت‌آفرین بوده، سیاست عدم مصالحه با رژیم است که عملاً توان اخوان را به‌عنوان بازیگری که توان تغییر از طریق سازوکار موجود صحنه سیاست را داشته باشد، گرفته است.

با همه این تفاسیر، به نظر نمی‌رسد تغییر جهت کامل اخوان به سمت سیاست خشونت با توجه به پیامدهای آن برای آینده سیاسی این گروه و بازی در زمین دولت صورت پذیرد. البته این تغییرات مقطعی امری دور از انتظار نیست، لیکن تغییر کامل ماهیت کنش سیاسی این گروه به سمت کنش ستیزه‌جویانه مسلحانه، امری است که اگرچه شاید نامحتمل هم به نظر نرسد، در مقطع کنونی شواهد کاملی دال بر اتخاذ این رویکرد، جز «دکترین خشونت هدفمند» دیده نمی‌شود؛ اگرچه به‌طور کلی می‌توان این گرایش به خشونت و چندپاره‌شدگی اخوان المسلمین را در تغییر پارادایمی / درون‌پارادایمی اخوان و آغاز رویکرد رادیکالیزاسیون (افراط‌گرایی) مشاهده کرد.

۸. نتیجه

دو مسئله اساسی در پرداختن به وضعیت کنونی اخوان اهمیت دارد. مسئله اول اینکه، وضعیت حال حاضر اخوان و موقعیت این گروه متأثر از رژیم سیسی و شرایط از دست رفتن سرمایه اجتماعی پس از کودتا در کنار عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی است و اینها همگی با یکدیگر در یک دیالکتیک پیوسته قرار دارند. از این رو، وضعیت اخوان را باید در دیالکتیک سه‌گانه عوامل داخلی، بین‌المللی و سازمانی و در یک چارچوب کلان در نظر گرفت. مسئله دوم اینکه، اخوان کنونی به نظر دچار انفکاک، چنددستگی و گسست شده است. این گسست در سه سطح روی داده که می‌توان آن را به صورت سه‌گانه گسست سازمانی، نسلی و ایدئولوژیک - گفتمانی طبقه‌بندی کرد. در واقع این شکاف‌ها متقاطع و متداخل بوده، به صورت افزاینده‌ای به تقویت گسست کنونی انجامیده است.

این گسست‌های متداخل و متقاطع با توجه به دستگیری رهبران و اعضای اثرگذار و کاریزماتیک اخوان، و از دست رفتن سطح قابل توجهی از منابع مالی و انسانی، عملاً موجب انفکاک در سیاست‌گذاری، چنددستگی راهبردی و استراتژیک و عدم انسجام به‌منظور کنش سازمان‌یافته در برابر رژیم حاکم شده است و عملاً به پررنگ شدن و بازگشت به پرسش از دوگانه قطب - حدیسی مبنی بر رادیکالیزاسیون جهادی - خشونت‌آمیز و پایبندی به بازی سیاسی و کنش مسالمت‌آمیز سیاسی و اسلام میانه‌رو گردیده است. مسئله اینجاست که هیچ‌کدام از این دو نسخه با توجه به گسست کنونی سازمان، نتوانسته به‌عنوان یک فراروایت به یکپارچه ساختن سازمانی - راهبری اخوان یاری رساند.

مسئله دیگر اینکه، با توجه به راهبرد عدم مشارکت سیاسی در شرایط فعلی و تدوین بازی حاصل جمع صفر دو طرف حاکمیت و اخوان، که برد خود را در باخت حریف تعریف کرده است، روی آوردن نسبی به تاکتیک خشونت هدفمند در داخل مصر یا در درازمدت، دگردیسی ایدئولوژیک - گفتمانی به سوی اسلام جهادی از سوی شاخه انقلابی دور از انتظار نیست. همچنین، در صورت عدم حل اختلاف‌ها و پایبندی به گفت‌وگوهای انتقادی درون سازمانی از سوی اخوان، امکان لغزیدن از پرتگاه گسست به انشعاب امری است که چندان نامحتمل نمی‌نماید. اگرچه با توجه به نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری در مصر و ناکامی سیسی در بهبود وضع اقتصادی در کنار نامتعیّن بودن شرایط سیاسی مصر، همواره احتمال قدرت‌گیری دوباره اخوان المسلمین و یکپارچگی آن در صورت باز شدن



فضای درونی وجود دارد. در نتیجه، سناریوهای متعدد اخوان، از گسست تا انشعاب یا یکپارچگی، همگی به عامل زمان و تحول سیاست داخلی مصر نیز وابسته است و این دیالکتیک سه سطحی که توضیح آن گذشت، در تعیین و تبیین حیات سیاسی و مسئله وجودی این گروه نقشی اساسی دارد.



۹. منابع

- Abdel Kader, Mohammad(2013) *Turkey's relationship with the Muslim Brotherhood*, Al Arabiya Institute for Studies, October 14, 2013, retrieved in September 2016:
<http://english.alarabiya.net/en/perspective/alarabiya-studies/2013/10/14/Turkey-s-relationship-with-the-Muslim-Brotherhood>. Html.
- Ahrām Online (2016) *Egypt government declares Muslim Brotherhood 'terrorist group*, Thursday 26 Dec 2013:
<http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/90037/Egypt/Politics-/Egypt-government-declares-Muslim-Brotherhood-terror>. AspX.
- Ahrām Online(2013) *Former Brotherhood supreme guide Akef arrested*, 4 July 2013, retrieved in May 2016:
<http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/75721/Egypt/Politics-/Former-Brotherhood-supreme-guide-Akef-arrested->. AspX.
- Ahrām Online(2013) *Prosecution orders arrest of leading Brotherhood members*, 10 July 2013 retrieved on 12 December 2016 available at:
<http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/76158/Egypt/Politics-/Prosecution-orders-arrest-of-leading-Brotherhood-m>. aspX.
- Ahrām Online(2014) *Sisi ratifies Egypt electoral constituencies law*, Monday 22, December 2014, retrieved in November 2016:
<http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/118608/Egypt/Politics-/Sisi-ratifies-Egypt-electoral-constituencies-law>. AspX.
- Al-Anani, Khalil (2016) *Inside the Muslim Brotherhood: Religion, Identity, and Politics*, Oxford university press, 2016, Chapter 5, Op. Cited.
- Al-Qaida leader Ayman al-Zawahiri: Egypt coup shows democracy corrupt* (2013) Hurriyat Daily News, August 3, 2013, Available at:
<http://www.hurriytdailynews.com/al-qaida-leader-ayman-al-zawahiri-egypt-coup-shows-democracy-corrupt.aspx?pageID=238&nID=51971&NewsCatID=352%22>.



- Associated Press (2015) *The Latest: Muslim Brotherhood calls for Egypt*, July 1, 2015, Available at:
<http://bigstory.ap.org/article/e77c284bd6ec4b3dbcf1e7b9bcdd084d/latest-militant-attacks-egypts-sinai-kill-30-troops>.
- Ayyash, Abdelrahman,(2015) *The Brotherhood's Post Pacifist Approach*, Carnegie Endowment for International Peace:
<http://carnegieendowment.org/sada/?fa=60665>.
- Awad, Mokhtar(2016) *Egypt's New Radicalism; The Muslim Brotherhood and Jihad*, Foreign Affairs, February 4, 2016 available at:
<https://www.foreignaffairs.com/articles/egypt/2016-02-04/egypts-new-radicalism>.
- Awad, Mokhtar, Nathan J. Brown (2015) *Mutual escalation in Egypt*, The Washington Post, February 9, 2015:
<https://www.washingtonpost.com/blogs/monkey-cage/wp/2015/02/09/mutual-escalation-in-egypt/>.
- Awad, Mokhtar(2013)*Transitional Roadmap, July 2013; an overview*, July 12, 2013, Carnegie Endowment for International Peace, available at:
<http://carnegieendowment.org/2013/07/12/transitional-roadmap-july-2013/h3ih>.
- Bakr, Amana, Maclean, William(2014), *Egypt's Brotherhood struggles to regroup in exile*, Reuters, May 23, 2014, <http://www.reuters.com/article/us-egypt-brotherhood-exile-idUSBREA4M0BJ20140523>.
- Childress, Sarah(2013) *In Egypt, Military Tightens Hold on Muslim Brotherhood*,Frontline October 30,2013, Retrieved in March 16, 2016, available at:
<http://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/in-egypt-military-tightens-hold-on-muslim-brotherhood/>.
- Di Giovanni, Janine, Elisson, Fredric(2015) *Egypt is Trying to Crush the Muslim Brotherhood. Can it survive?* Newsweek, 8 November 2015,



retrieved in January 2017, available at:

<http://www.newsweek.com/2015/08/21/egypt-muslim-brotherhood-fate-361663.html>.

-Egypt Independent(2013), *Asset freeze for Islamist leaders goes into action*, May 15, 2013, retrieved December 12,2016:

<http://www.egyptindependent.com/news/asset-freeze-islamist-leaders-goes-action>.

-Eric Trager, Eric, Shalabi, Marina(2016) *The Brotherhood Breaks Down, Will the Group Survive the Latest Blow?* Foreign Affairs, January 17, 2016, retrieved in February 2016,:

<https://www.foreignaffairs.com/articles/egypt/2016-01-17/brotherhood-breaks-down>.

-Fisk,Robert, Dararg, Amr(2015) *Ex-Muslim Brotherhood minister in exile still believes Egypt's military regime can be replaced with 'moderate' Islamic rule*, Independent, May 5, 2015, retrieved in August 2016, available at:

<http://www.independent.co.uk/news/people/amr-darrag-ex-muslim-brotherhood-minister-in-exile-still-believes-egypts-military-regime-can-be-10227129.html>.

-Hamid, Hamid(2011) *America's Islamist Dilemma and Egypt's Muslim Brotherhood*, Brookings, February 2nd, 2011.

-Harnisch. C. & Mecham. Q. , (2009) *Democratic Ideology in Islamist Opposition? The Muslim Brotherhood's 'Civil State'*, Middle Eastern Studies, 45:2,pp. 189-205, DOI:

<http://dx.doi.org/10.1080/00263200802611408>): [Accessed: 20 November 2015].

-Helbawy, K. , (2009) *The Muslim Brotherhood in Egypt: Historical Evolution and Future Prospects*, (Chapter 4): Political Islam Context versus Ideology edited by Khaled Hroub (2010): London: London Middle East Institute at SOAS .

- Kessler, Oren(2016) *Egypt's Unlikely Ardor for Trump; Why Cairo Welcomes His Presidency*, Foreign Affairs, November 29, 2016, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/egypt/2016-11-29/egypts-unlikely-ardor-trump>.
- Morsy, Ahmad, Casper Wuite (2015), *A Return to the Mubarak System*, April 21: <http://carnegieendowment.org/sada/2015/04/21/return-to-mubarak-system/i7iv>.
- Patric Kingsley (2014) *Egypt Massacre was premeditated, says Human Rights Watch*, the guardian, May 23, 2014: <https://www.theguardian.com/world/2014/aug/12/egypt-massacre-rabaa-intentional-human-rights-watch>.
- Rosefsky, Carrie (2013) *The Muslim Brotherhood After Morsi; Can the Brothers Reboot?* Foreign Affairs, July 11, 2013, retrieved April 2016, Available in: <https://www.foreignaffairs.com/articles/Egypt/2013-07-11/muslim-brotherhood-after-morsi>.
- Sheridan, Mary Beth (2011) *U. S. to Expand Relations with Muslim Brotherhood*, Washington Post, June 30, 2011, retrieved in August 2016, https://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-to-expand-relations-with-muslim-brotherhood/2011/06/30/AGV_gppsH_story.html.
- Sivan, Emmanuel (1985). *Radical Islam: Medieval Theology and Modern Politics*. New Haven: Yale University Press.
- Tadros, Samuel,(2015) *The Broderhood Divided*, Hudson Institute, August 20th, 2015: <http://www.hudson.org/research/11530-the-brotherhood-divided>.
- The Guardian (2014) *Egypt: court dissolves Muslim Brotherhood's political wing*,9 August 2014, retrieved in October 2016: <https://www.theguardian.com/world/2014/aug/09/egyptian-court-muslim-brotherhood-freedom-and-justice-party>.
- the Guardian(2013) *Egypt's military arrest Muslim Brotherhood supreme*



leader, 4 July 2013, retrieved July 2016:

<https://www.theguardian.com/world/2013/jul/04/egypt-military-arrest-warrants-muslim-brotherhood>

-Tortora, Bob, Younis, Mohamed(2014) *Egyptians' Approval of Leadership Multifaceted*, Gallup, January 15, 2014, retrieved September 2015

http://www.gallup.com/poll/166832/egyptians-approval-leadership-multifaceted.aspx?g_source=COUNTRY_EGY&g_medium=topic&g_campaign=tiles.

-Traub, James (2007) *Islamic Democrats?* The New York Times, 29 April 2007, Retrieved 6 September 2016:

<http://www.nytimes.com/2007/04/29/magazine/29Brotherhood.t.html>

-Trofimov, Yaroslav (2016) *The Crisis of Political Islam*, Wall Street Journal, July 22, 2016, Available in:

<http://www.wsj.com/articles/the-crisis-of-political-islam-1469223880>.

-Wike, Richard (2014) *Key Takeaways From over Egypt Survey*, Pew research center, May22, 2014, retrieved in January 2017, available at:

<http://www.pewresearch.org/fact-tank/2014/05/22/key-takeaways-from-our-survey-of-egypt/>.

-Younis, Mohamed (2013) *Egyptians' Views of Government Crashed before Overthrow*, Gallup, August 2, 2013, retrieved in October 2016:

http://www.gallup.com/poll/163796/egyptian-views-government-crashed-overthrow.aspx?g_source=COUNTRY_EGY&g_medium=topic&g_campaign=tiles.

-Younis, Mohamed , *Egyptians' Views on Life, Economy Starting to Rebound* ,Gallup, October 3, 2014, retrieved in July 2016:

http://www.gallup.com/poll/177842/egyptians-views-life-economy-starting-rebound.aspx?g_source=COUNTRY_EGY&g_medium=topic&g_campaign=tiles.